

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۳۱ جولای ۲۰۱۷

## انقلاب کبیر اکتوبر و تاثیر عمیق آن بر سرنوشت سیاسی ایران

جنبش دموکراتیک و کمونیستی ایران همواره در تحت تأثیر مبارزات سوسیال دموکراتها در روسیه تزاری قرار داشته است. ایجاد هسته‌های سوسیال دموکرات در ایران، در تحت تأثیر نفوذ ایرانیان مقیم باکو در آذربایجان روسیه تزاری، به وجود آمد. آنها در عین همکاری با سوسیال دموکراتهای روس و ارسال نشریه "ایسکرا" از طریق ایران به روسیه، از فعالیتهای سیاسی و تئوریک آنها استفاده می‌کردند. وقتی انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه شکست خورد، انقلاب ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ مشروطیت با شرکت هسته‌های سوسیال دموکرات در ایران آغاز شد و به محدودیت اختیارات پادشاهان دوران قاجاریه در ایران منجر گردید. برای نخستین بار در ایران مجلس تأسیس شد و انتخابات مردمی صورت گرفت. مبارزات مردم ایران نه تنها در تحت تأثیر مبارزات سوسیال دموکراتهای روسیه در قیل از انقلاب اکتوبر قرار داشت، بلکه بعد از انقلاب اکتوبر نیز تحولات عمیقی در جامعه ایران تحت تأثیر رویدادهای روسیه صورت گرفت. در ماه مه ۱۹۱۷ بعد از انقلاب فبروری در روسیه، حزب سوسیال دموکرات ایرانیان به نام «عدالت» رسماً شروع به کار کرد. این حزب از گروههای سوسیال دموکرات ایرانیان به وجود آمد که بعد از انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ نام خود را در جون سال ۱۹۲۰ به حزب کمونیست ایران تغییر داد و کنگره نخست خویش را در بندرانزلی در استان گیلان برگزار کرد. حیدر عموآغلی از رهبران جنبش مشروطه ایران در تأسیس حزب کمونیست ایران نقش داشت و به عنوان اولین دبیر کل حزب انتخاب شد.

تاریخچه حزب کمونیست ایران از تاریخ جنبش ملی و ضد امپریالیستی مردم ایران معاصر جدا نیست. با پیروزی انقلاب کبیر اکتوبر و تأسیس حزب کمونیست ایران تحولات مهمی در ایران صورت گرفت. اتحادیه‌های کارگری تحت تأثیر فعالیت سوسیال دموکراتهای روس و بعداً کمونیستهای شوروی و فعالیت حزب کمونیست ایران برای نخستین بار در ایران پدید آمدند و کارگران به حقوق خویش پی‌بردند. از رویداد انقلاب کبیر اکتوبر هم امپریالیسم استعمارگر بریتانیا بشدت در ایران ضربه خورد و هم ارتجاع داخلی ایران که همدست این امپریالیسم بود بشدت تضعیف گشت.

خوب است به وضعیت ایران قبل از این تحولات جهانی در آن دوران نظری بیفکنیم تا تأثیرات عظیم این انقلاب را در سرنوشت مردم ایران بهتر درک کنیم.

### پیمان استعماری سن پترزبورگ (Sankt Petersburg)

سرزمین ایران در قبل از جنگ جهانی اول میدان رقابت دو امپریالیسم بزرگ در آغاز قرن بیستم میلادی بود. روسیه تزاری با ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک در شمال ایران بزرگترین همسایه ایران محسوب می شد. در جنوب ایران امپریالیسم بریتانیا که در عراق و هندوستان دو مستعمره مهم خویش را برپا کرده بود، از نفوذ و رخنه گری امپریالیسم روسیه به ایران و اهمه داشت و برای حفظ مستعمره بزرگ خویش هندوستان که در شرق ایران بود (در آن زمان هنوز کشوری به نام پاکستان وجود نداشت-توفان) تلاش می کرد که ایران را نیز به مستعمره خویش بدل کند تا موفق شود منافع فراوان خویش در هندوستان را تضمین کند. در همان دوران نیز امپریالیسم المان به یاری دولت عثمانی در پی آن بود که قطار ترکیه-بغداد-حجاز را ساخته و راه نفوذ خویش به خلیج فارس و منطقه نفوذ بریتانیا را بگشاید. این امر نیز خطری برای منافع استعماری امپریالیسم بریتانیا در منطقه محسوب می شد. به این جهت امپریالیسم بریتانیا در جهت حفظ منافع استعماری خویش در آسیا، بر سر مستعمره کردن مشترک ایران با امپریالیسم روس به توافق رسید. نزاع بر سر تقسیم ایران میان دو امپریالیسم روس و بریتانیا منجر به انعقاد قرارداد سن پترزبورگ در سال ۱۲۸۵ شمسی (برابر ۱۹۰۷ میلادی) میان ایندو کشور گردید. به موجب این قرارداد استعماری، کشور ایران میان روسها و بریتانیایی ها به دو منطقه شمال و جنوب تقسیم گردید و در میان آنها یک منطقه میانی به وجود آمد که به عنوان منطقه بی طرف باقی ماند تا خطر برخورد میان دو امپریالیسم را به حداقل تنزل دهد. این منطقه میانی نیز در سال ۱۹۱۵ بین دو امپریالیسم تقسیم شد.

این قرارداد که ۵ بند داشت بدون آگاهی یا مشارکت دولت ایران در زمان اوج جنبش انقلابی مشروطه در ایران در سال ۱۹۰۶ به دور از چشم مردم ایران امضاء شد؛ بعد از پیروزی انقلاب مشروطه در ایران که نخستین انقلاب دموکراتیک در آسیا بود، مجلس ملی برای نخستین بار در ایران تشکیل شد و نمایندگان بعد از اطلاع از وجود چنین قرارداد ننگینی پاسخ تندی در رد آن منتشر کردند. امپریالیستها در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۰۷ با بی شرمی و به صورت طلبکارانه ایران را رسماً در جریان انعقاد این پیمان استعماری قرار داده بودند. این پیمان نامه در سن پترزبورگ امضاء شده بود و در کنار سرنوشت ایران سرنوشت افغانستان و چند کشور دیگر را نیز تعیین می کرد.

با وجود اعتراضات ایران به این قرارداد، مواد آن عملاً توسط قوای نظامی و نفوذ امپریالیستهای روس و بریتانیا در عمل اجراء می شد و در زمان جنگ جهانی اول نیز به بهانه جنگ با عثمانی، مناطقی از ایران مدتی به اشغال روسیه و بریتانیا در آمده بود. روسها تا زمان انقلاب اکتوبر بر حفظ منافع به دست آمده شان از این قرارداد اصرار داشتند.

انقلاب کبیر اکتوبر به عمر این قرارداد استعماری پایان داد و استقلال ایران را به رسمیت شناخت. مردم میهن ما اقدام انقلابی پرولتاریای روسیه و بلشویکها را عامل مهمی در تأمین استقلال ایران می دانند.

پس از انقلاب اکتوبر، در ۲۷ دی [جدی] ۱۲۹۶ خورشیدی (۱۹۱۸ میلادی) قرارداد سن پترزبورگ با بیانیه لنین عملاً ملغی شد.

انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در همان نخستین روزهای پیروزی، تأثیرات خود را بر ایران گذاشت. در ۱۴ آذر [قوس] ۱۲۹۶ / پنجم دسمبر ۱۹۱۷، یعنی تقریباً چهل روز پس از وقوع انقلاب و روی کار آمدن لنین، اعلامیه مهمی خطاب به

مسلمانان مشرق زمین از طرف حکومت کمونیستی روسیه انتشار یافت. بخشی از این اعلامیه بسیار مفصل که مربوط به ایران است، به شرح زیر است:

**«رفقاء و برادران!!»**

در روسیه حوادث بزرگی در حال تکوین و انجام است. جنگ خونین کنونی (جنگ جهانی اول) که با نیت تجاوز به سرزمین‌های بیگانه و تقسیم خاک ملل دیگر شروع شده، به پایان خود نزدیک می‌شود. دنیای دیگری پا به عرصه وجود گذاشته است. این دنیا، دنیای رنجبران و ملل آزاد شده است. در پشت سر انقلابی که در روسیه انجام گرفته، حکومتی که مولود اراده کارگران و دهقانان روسی است، ایستاده است. ای مسلمانان مشرق زمین! ای ایرانیان! ای ترکان! ای اعراب! ای هندیان! روی سخن ما با شماست: با شما که زندگانی‌تان، جانتان، مالتان و ناموس‌تان قرن‌ها زیر پای غارتگران اروپایی مانده و له شده بود.

ما رسماً اعلام می‌داریم که تمام پیمان‌ها و قراردادهای سری که تزار مخلوع روسیه با انگلستان و فرانسه امضاء کرده بود و طبق مفاد آن قرار بود قسطنطنیه (استانبول) پس از خاتمه جنگ به روسیه داده شود و حکومت مخلوع «کرنسکی» نیز همان قراردادها را تأیید کرده بود، همگی باطل و کان لم یکن و از درجه اعتبار ساقط اند. جمهوری سوسیالیستی روسیه و حکومت که مجری اوامر آن‌هاست، یعنی شورای کمیسرها، هر دو با تصرف خاک دیگران مخالفند، ما رسماً اعلام می‌داریم که قسطنطنیه مال ترک‌هاست و باید مثل سابق در تصرف مسلمانان باقی بماند.

ما رسماً اعلام می‌داریم که عهدنامه‌ها و توافق‌های پیشین روسیه و انگلستان که ایران را میان دو کشور امپریالیست تقسیم کرده بود، باطل و کان لم یکن و از درجه اعتبار ساقط اند (قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵).  
ای ایرانیان!

به شما قول می‌دهیم که به محض پایان عملیات نظامی، سربازان ما خاک کشورتان را تخلیه کنند و شما مردم ایران حق داشته باشید که آزادانه درباره سرنوشت آتی خود تصمیم بگیرید...

رئیس شوراهای کمیسرها، خلق: لنین

کمیسر خلق برای امور ملت‌ها: ستالین

این اعلامیه نخستین قدمی بود که دولت شوراها درباره ایران برداشت و امیدهای فراوانی را در دل‌ها ایجاد کرد. دولت شوروی به منظور جلب دوستی ایران در این یادداشت، کلیه امتیازات مخالف حاکمیت و استقلال ایران را که در دوره تزارها به روسیه واگذار شده بود، لغو کرد و به ایرانیان وعده داد که این دولت در اخراج قوای انگلیس و عثمانی از خاک ایران به آنها کمک و از ادعاهای آن کشور درباره مطالبه خسارت زمان جنگ پشتیبانی خواهد نمود.

دولت شوروی در ادامه مواضع انقلابی‌اش و تبیین دیدگاه خود درباره ایران و مردم ایران، سیاست نرمش و ملاطفت خود را فزونی بخشید، به طوری که در تکمیل بیانیه‌های خود درباره قراردادهای روسیه تزاری با ایران، قرارداد ۱۹۰۷ را به صورت رسمی ملغی اعلام کرد.

در قسمتی از نامه رسمی دولت شوروی به ایران در تاریخ ۱۴ جنوری ۱۹۱۸ مطابق ۲۴ دی [جدی] ۱۲۹۶ به سفارت ایران در پترزبورگ اعلام داشت:

«معاهده ۱۹۰۷ نظر به این که علیه آزادی و استقلال ملت ایران بین دولتین روس و انگلیس بسته شده، به کلی ملغی و تمام معاهدات سابق و لاحق آن نیز از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.»

این اقدام یک جانبه روسیه سوسیالیستی دسیسه تقسیم استعماری ایران را میان امپریالیستها به هم زد و نیروی آزادیخواهان در ایران را تقویت نموده و بشدت به موقعیت امپریالیسم انگلستان صدمه زد. البته این امپریالیسم همراه با امپریالیسم امریکا با دسیسه و کودتا تلاش کردند روح این معاهده استعماری را تا انقلاب بهمن [دلو] ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) حفظ کنند و سلطه خویش را بر ایران حاکم گردانند. ایران استقلال خویش را از جمله مدیون بلشویکهای شوروی می-داند. بعد از الغاء این قرارداد استعماری (قرارداد سن پترزبورگ) و تأمین استقلال ایران، دولت جوان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در چارچوب سیاست همزیستی مسالمت آمیز میان دولتها، پیشنهاد انعقاد یک قرارداد دوستی با ایران نمود که این سند (قرارداد دوستی ایران و شوروی ۱۹۲۱) تضمین کننده استقلال ایران در مقابل تجاوز خارجی به ایران بود. ایران در سایه حضور دولت سوسیالیستی شوروی و قرارداد دوستی با وی، موفق شد در شرایط مناسب جهانی در اوایل سال ۱۹۵۰ به ملی کردن صنایع نفت خویش به ضد امپریالیسم انگلستان دست بزند. امپریالیستها از این اقدام ملی و ضد استعماری ایرانیان به شدت ناراضی بودند، به طوری که با دسیسه های فراوان، رژیم حاکم ملی ایران یعنی حکومت دکتر محمد مصدق را که رهبری مبارزات مردم برای ملی کردن صنعت نفت را به عهده داشت، توسط سازمانهای جاسوسی بریتانیا و امریکا و در تبنانی با یکدیگر سرنگون نموده، محمد رضا شاه را که در اثر مبارزه ضد استعماری مردم ایران به خارج فرار کرده بود و در رم در ایتالیا زندگی می کرد، مجدداً بر سر کار آوردند.

فراموش نکنیم که ارتش امپریالیسم انگلستان قصد داشت برای اشغال آبادان نیروی نظامی به ایران پیاده کند. تنها نفس وجود قرارداد دوستی ایران و شوروی مؤرخ ۱۹۲۱ مانع از این اقدام تجاوزکارانه شد. از آن زمان با تفوق امپریالیسم امریکا در ایران، رژیم پهلوی بیش از پیش وابسته به امپریالیسم گردید و شاه ایران به عنوان عامل امپریالیسم امریکا در منطقه، هیچ گاه به تعهدات خویش نسبت به این قرارداد دوستانه با اتحاد شوروی سوسیالیستی عمل نکرد و ایران را با کشاندن به عرصه همکاریهای نظامی و انعقاد پیمانهای نظامی (قرنطینه به دور شوروی سوسیالیستی) از جمله قرارداد نظامی سنتو CENTO با امپریالیستها، به بخش فرعی پیمان ناتو بدل کرد که وظیفه آن محاصره اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود. ایران در طی زمان با افزایش نفوذ امپریالیسم امریکا در ایران به پایگاه این امپریالیسم و به ژاندارم منطقه بدل شد. امریکا ایران را به مرکز جاسوسی به ضد اتحاد جماهیر شوروی بدل نمود و بزرگترین دستگاه شنود را در شمال ایران تحت نظر کارشناسان امریکائی حتی زمانی که دیگر شوروی سوسیالیستی نبود- ایجاد کرد.

حضور ۵۰ هزار مستشار نظامی امریکائی در ایران ناقض بند ۵ قرارداد دوستی با اتحاد شوروی بود که ایران را به سکوتی برای تجاوز به شوروی بدل می کرد. ما در زیر به بخشی از بندهای این قرارداد اشاره می کنیم تا تأییدی بر سند دوستی میان مردم ایران و بلشویکهای شوروی گذارده باشیم. انقلاب کبیر اکتوبر در صد سال پیش نه تنها دنیای جدیدی خلق کرد، بلکه از ریشه در سرنوشت مردم ایران نیز اثر گذاشت و کمر نظام فرتوت استعماری انگلستان را درهم شکست و آزادی خلقها را به ارمغان آورد. این که حتا امروز بورژوازی ایران اعم از ملی و ضد ملی این چنین ضد روسیه است نه ناشی از جنایات تزاریسیم علیه ایران است بلکه از این است که روسیه سوسیالیستی شد و این خاری به چشم همه بورژواهای جهان بود. نفرت بورژوازی ایران علیه روسیه نفرت علیه امپریالیسم نیست نفرت علیه سوسیالیسم است. آنها می خواهند با مودبگری مرزهای میان تزاریسیم، سوسیالیسم، سوسیال امپریالیسم و امپریالیسم روس را بزدایند و جالب است که آنها هنوز هم امپریالیسم امریکا را دوست مردم ایران و عامل مؤثر "آزادی و دموکراسی" و مظهر "دنیای آزاد" در جهان جا می زنند.

در متن "قرارداد دوستی دو جانبه ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ۱۹۲۱" از جمله می آید:

"فصل اول

دولت شوروی روسیه مطابق بیانیه‌های خود راجع به مبانی سیاست روسیه نسبت به ملت ایران مندرجه در مراسلات ۱۴ جنوری ۱۹۱۸ و ۲۶ جولای ۱۹۱۹ یک مرتبه دیگر رسماً اعلان می‌نماید که از سیاست جابرانه ای که دولت‌های مستعمراتی روسیه که به اراده کارگران و دهقانان این مملکت سرنگون شدند نسبت به ایران تعقیب می‌نمودند قطعاً صرف نظر می‌نماید. نظر به آنچه گفته شد و با اشتیاق به این که ملت ایران مستقل و سعادتمند شده و بتواند آزادانه در دارائی خود تصرفات لازمه را بنماید دولت شوروی روسیه تمام معاهدات و مقاولات و قراردادها را که دولت تزاری روسیه با ایران منعقد نموده و حقوق ملت ایران را تضییع می‌نمود ملغی و از درجه اعتبار ساقط شده اعلان می‌نماید. (تکیه همه جا از حزب کار ایران-توفان).

#### فصل دوم

دولت شوروی روسیه از سیاست دولت‌های روسیه تزاری که بدون رضایت ملل آسیا و به بهانه تأمین استقلال ملل مزبور با سایر ممالک اروپا در باب مشرق معاهداتی منعقد می‌نمودند که بالنتیجه منجر به استملاک آن می‌گردد اظهار تنفر می‌نماید، این سیاست جنایتکارانه را که نه تنها استقلال ممالک آسیا را منهدم می‌نمود بلکه ملل زنده شرق را طعمه حرص غارتگران اروپائی و تعدیات مرتب آنها قرار می‌داد دولت شوروی روسیه بدون هیچ شرطی نفی می‌نماید. نظر به آنچه گفته شد و مطابق اصول مذکوره در فصل اول و چهارم این معاهده دولت شوروی روسیه استتکاف خود را از مشارکت در هر نوع اقدامی که منجر به تضعیف و محفوظ نماندن سیادت ایران بشود اعلان نموده و کلیه معاهدات و قراردادهائی را که دولت سابق روسیه با ممالک ثالثی به ضرر ایران و راجع به آن منعقد نموده است ملغی و از درجه اعتبار ساقط می‌داند. (تکیه همه جا از حزب کار ایران-توفان).

...

#### فصل چهارم

با تصدیق این که هر یک از ملل حق دارد مقدرات سیاسی خود را بلامانع و آزادانه حل نماید هر یک از طرفین متعاهدین از مداخله در امور داخلی طرف مقابل صرف نظر کرده و جدا خودداری خواهد نمود.

#### فصل پنجم

طرفین معظمین متعاهدین تقبل می‌نمایند که: (۱) از ترکیب و یا توقف تشکیلات و یا دستجات (گروپ‌ها) به هر اسم که نامیده شوند و یا اشخاص منفرد که مقصود تشکیلات و اشخاص مزبور مبارزه با ایران و روسیه و همچنین با ممالک متحده با روسیه باشد در خاک خود ممانعت نمایند و همچنین از گرفتن افراد قشونی و یا تجهیزات نفرات برای صفوف قشون و یا قواء مسلح تشکیلات مزبور در خاک خود ممانعت نمایند. (۲) به کلیه ممالک و یا تشکیلات قطع نظر از اسم آن تشکیلات که مقصودشان مبارزه با متعاهد معظم باشد نباید اجازه داده شود که به خاک هر یک از طرفین معظمین متعاهدین تمام آنچه را که ممکن است به ضد متعاهد دیگر استعمال شود وارد نموده و یا عبور دهند. (۳) با تمام وسایلی که به آن دسترس باشد از توقف قشون و یا قواء مسلح مملکت ثالث دیگری در صورتی که احتمال برود توقف قواء مزبور باعث تهدید سرحدات و یا منافع و یا امنیت متعاهد معظم دیگر می‌شود باید در خاک خود و متحدین خود ممانعت نماید.

#### فصل ششم

طرفین معظمین متعاهدین موافقت حاصل کردند که هر گاه ممالک ثالثی بخواهند به وسیله مداخله مسلحانه سیاست غاصبانه‌ای را در خاک ایران مجری دارند یا خاک ایران را پایگاه حملات نظامی به ضد روسیه قرار دهند و اگر ضمناً خطری سرحدات دولت جمهوری اتحاد شوروی روسیه و متحدانش را تهدید کند و دولت ایران خودش نتواند این خطر

را علی رغم درخواست یکباره روسیه رفع نماید، دولت شوروی حق خواهد داشت قشون خود را به خاک ایران وارد نماید تا آن که برای دفاع از خود اقدام‌های لازم نظامی را به عمل آورد. دولت شوروی روسیه متعهد است که پس از رفع خطر بلادرنگ قشون خود را از قلمرو ایران خارج نماید.

....

### فصل هشتم

دولت شوروی روسیه انصراف قطعی خود را از سیاست اقتصادی که حکومت تزاری روسیه در شرق تعقیب می‌نمود و به دولت ایران نه از دیدگاه توسعه اقتصادی و ترقی ملت ایران، بلکه برای اسارت سیاسی ایران پول می‌داد اعلان می‌نماید. بنابراین دولت شوروی روسیه از هر نوع حقوق خود نسبت به قروضی که دولت تزاری به ایران داده است صرف نظر کرده و اینگونه استقراض‌ها را نسخ شده و غیر قابل تأدیه می‌شمارد و همچنین دولت شوروی روسیه از تمام تقاضاهای راجع به انتفاع از عوائد مملکتی ایران که وثیقه استقراض‌های مذکوره بودند صرف نظر می‌نماید. (تکیه همه جا از حزب کار ایران-توفان). "...

...

نگاهی به متن این قرارداد نشان می‌دهد که بلشویکها عمیقاً به ضد استعمار و امپریالیسم صمیمانه مبارزه می‌کردند و مانند سوسیال دموکراتها جریانهائی نبودند که در حرف سوسیالیست و در عمل امپریالیست باشند. این اقدامات انقلابی بلشویکها تمام باند سوسیال دموکراسی جهانی را بی اعتبار کرد.

از فردای انقلاب اکتوبر جنبش کمونیستی در ایران رو به قدرت نهاد و امپریالیسم انگلستان مصمم شد که در ایران یک حکومت متمرکز، قدرتمند و سرکوبگر بر سر کار آورد که به مناسبات ملوک‌الطوایفی و ضعف قدرت مرکزی در ایران پایان داده و ایران را به سپری قدرتمند در مقابل کمونیسم در جنوب شوروی بدل کند. امپریالیسم انگلستان می-هراسید ضعف قدرت مرکزی در ایران به افزایش نفوذ کمونیسم منجر گردد و به همین جهت سلسله پهلوی را با یاری دستیاران خویش که نوکران کهنه استعمار در ایران بودند بر سر کار آورد. روی کار آوردن رضا خان پدر محمد رضا شاه به عنوان مستبد و سرکوبگر بزرگ نتیجه این سیاست جدید امپریالیسم انگلستان در ایران بود. پسر وی محمد رضا شاه به منزله دیکتاتور بعدی، در خدمت منافع امپریالیسم جهانی همان سیاست را در ایران تا انقلاب ۱۹۷۹ ادامه داد و به ضد مصالح مردم ایران به امپریالیسم انگلستان و بعداً امریکا خدمت کرد.

در زمان دولت بازرگان که یکی از دولتهای ضد کمونیست ایران بود دکتر یزدی وزیر امور خارجه وی که دست-پرورده امریکا و ضد کمونیست معروفی بود این پیمان دوستی را ملغی ساخت و به این ترتیب وقتی روسیه سوسیال امپریالیستی فروپاشید دست ایران به جایی نرسید تا حقوقی را که در دریای خزر توسط دولت بلشویکی به دست آورده بود از جمهوری‌های مستقل از فدراسیون روسیه طلب کند. این جمهوری‌ها هرگز خویش را وارثان تعهدات روسیه شوروی بر مبنای قرارداد یکطرفه ملغی شده از طرف ایران نمی‌دانستند. جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران در این زمینه سکوت مرگ اتخاذ کرده است.

بر گرفته از توفان شماره ۲۰۹ مرداد ماه | اسد | ۱۳۹۶ - اگست سال ۲۰۱۷

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)